

اینترنت بازی نیست



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

یادداشت آقای جواد لاریجانی در خبرگزاری فارس، یادداشت مفصلی است. کلیت صحبت‌های ایشان نکته جدیدی ندارد، فقط آمرانته است و گویی که تنها ایشان می‌دانند در این وضعیت مبهم چه باید کرد و نکرد. ایشان که خبرگزاری فارس سمت‌شان را «تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل» عنوان کرده، در انتهای یادداشتی که گویی نقشه‌راه کشور برای رسیدن به ثبات و امنیت است مصراانه خواستار این شدند که «اینترنت بازی» را لااقل برای چند ماه متوقف کنند. در جایی از این یادداشت، جواد لاریجانی «دسترسی آزاد به اطلاعات» و «تسهیل تعامل با محیط‌های اجتماعی فضای مجازی» را شعارهای ساختگی می‌داند. به‌خاطر تعدد برادران لاریجانی که هر کدام در همه این چنددهه سمت بالایی در مدیریت کشور داشته‌اند، ممکن است که خواننده این پنج برادر روزگار را با یکدیگر اشتباه بگیرد. ایشان به‌جز تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل، در حال حاضر مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادی هم هستند. پیش‌تر هم دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه بودند. از منظر هر سه‌شان ایشان (مدیر ارشد حقوق بشر، مدیر پژوهشگاه و سیاستمداری با سال‌ها تجربه) سخنان‌شان در یادداشت مزبور نه فقط عجیب که ترسناک است. عجیب است که مدیر یک پژوهشگاه که حتماً خود هم باید بهره‌ای زیاد از دانش داشته‌باشد، با تفکر انتقادی و مهم‌تر از آن با چگونگی مواجهه با یک مسئله بیگانه‌باشد. در مواجهه با چنین حرفی اول از همه باید به آنچه در جهان روال و رویه بوده است، نگاه کرد. اینترنت ایران یکی از بدترین اینترنت‌های جهان است. از نامتصل‌ترین کشورها به شبکه جهانی هستیم. همه کشورهای دیگر هم دشمنانی دارند که می‌خواهند به آنها نفوذ کنند. پس اینکه اینترنت نیم‌بند ایران را عامل اصلی نفوذ دشمن بدانیم لااقل با آنچه رویه همه دیگر جهان است، همخوانی ندارد. سال‌هاست متخصصان امر می‌گویند که فیلتر شکن‌ها همچون اسب‌تروا، اصلی‌ترین عامل دسترسی دشمن به فضای سایبر است. این چندسال اخیر که فیلتر شکن‌ها دیگر تابلوی تبلیغاتی سازمان موساد شده بود برای جذب نیرو در ایران، همچنین یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف ما در امنیت فضای سایبری نبود نیروهای تخصصی است که با دانش و هوش خود پاسدار این فضا باشند؛ نیروهایی که به‌جای کار در این خاک، هر کدام‌شان در یکی از شرکت‌های مشهور غرب و شرق عالم مشغول به کار هستند. کاش آقای لاریجانی متوجه باشند که یکی از عوامل راندن شدن این نیروهای تخصصی، همین عدم اتصال‌شان به جهان است و اینترنتی که برای ایلائی کردن دانشگاه هم باید هزار بدبختی و مصیبت می‌کشیدند، آقای لاریجانی احتمالاً فقدان چنین‌نخبگانی را در پژوهشگاه خودشان حساسی درک کرده‌اند. عجیب اینکه آقای لاریجانی سال‌ها یکی از مدیران ارشد حقوق بشر در ساختار سیاسی کشور بوده است و حالا دسترسی آزاد به اطلاعات را شعاری ساختگی می‌داند. اینکه «دسترسی آزاد به اطلاعات» را این روزها ساختگی بدانیم، مانند این است که گزاره حق بر خودداری از بهداشت و حتی حیات را ساختگی بدانیم. سخن ایشان به‌عنوان کسی که سال‌ها بر مسند حقوق بشری بوده، فقط در حالی قابل درک است که بپذیریم ایشان، «اطلاعات» در حق دسترسی آزاد به اطلاعات را با اطلاعات طبقه‌بندی شده امنیتی اشتباه گرفته‌اند. اینکه مردم حتماً باید به اطلاعات دسترسی آزاد داشته باشند یک سخن است؛ اینکه مسئولان در حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای که دسترسی دشمن به آنها امنیت را به خطر می‌اندازد، یک بحث دیگر است. بعید می‌دانم هیچ کسی در دومی شک داشته باشد و بعید می‌دانم هیچ آزاداندیشی اولی را ساختگی بداند. صحبت‌های جواد لاریجانی در این وضعیت ترسناک هم است. در وضعیتی که ثابت شد ما جز خودمان هیچ‌کس را نداریم، همه دوستان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای هم از قرار معلوم دوستان زمان صلح‌اند، وضعیتی که فقر اینترنت‌نشال نشسته است تا از قطره آبی در ایران سونامی بسازد، اینکه آقای لاریجانی به این راحتی مردم را دل‌سرد و بدتر از آن مشوش می‌کند حقیقتاً ترسناک است. اینکه کسی که تقریباً دو سوم عمرش را در کسوت سیاستمدار زیسته است، مردم مضطرب و داغ‌دیده را نگران کند و یکی از مهم‌ترین اسباب زندگی آنها را بازی بداند نه فقط عجیب که ترسناک است. ترسناک از این بابت که دیگر سیاستمداران همی در این شرایط خوف و رجا، شرایطی که به قول آن مسئول راهی جز همبستگی نداریم به روال همیشه در نظر و عمل راه قطعی کردن جامعه پیش بگیرند. عجیب است که آقای لاریجانی در کسوت تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل، جهان را چنین ساده درک می‌کند و گمان می‌کند که با محروم کردن مردم از اینترنت کسی جز مردم ضرر خواهند کرد و ترسناک اینکه ایشان از شأن کارشناسی ارشدی و حیظه نظر در کسوت اجرایی و تصمیم‌گیری بتوانند تأثیرگذار باشند. در نهایت کاش یکی به گوش ایشان برساند که نه اینترنت بازی است نه امنیت، از قضا بازی اصرار به تکرار راه شکست خورده در این روزگار خاکستریست.

۱۶
۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیبر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



يك گفت‌وگوی ناتمام

صحبت‌های رائد فریدزاده رئیس سازمان سینمایی با بهروز افخمی
برای سینما و سینماگران دلگرم‌کننده نبود

و ایجاد همبستگی از طریق این هنر رفت. اما هیچ کدام از طرفین گفت‌وگو به این نکته نپرداختند که زمانی که شهر زیر بار حملات هوایی بود، مردم با چه اطمینانی می‌توانستند در سینماها حضور پیدا کنند؟

▼ مسائل مربوط به معیشت سینماگران

سال‌هاست که به دلیل مشکلات اقتصادی، «سینماگران قدیمی درگیر مصائب معیشتی هستند. بارها بازیگرانی با انتشار ویدئو و عکس در صفحات مجازی در خواست کمک و بیمه کردند اما هنوز این مسائل حل نشده‌اند. بهروز افخمی درباره طرح نیمه‌تمام ارتقای بیمه بازنشستگی سینماگران، در شرایطی که بحران‌های اقتصادی دست از سر مردم بر نمی‌دارد، هیچ سوالی نپرسید و فریدزاده هم به این موضوع اشاره‌ای نکرد. از سوی دیگر، خود رئیس سازمان سینمایی در ابتدای شروع به کارش، درباره کدی صحبت کرده بود که برای ارتقای معیشت اهالی سینما در نظر خواهد گرفت. اما ترجیح دو طرف گفت‌وگو این بود که درباره مسائلی صحبت شود که محقق شده باشند یا ابهامی در آن وجود نداشته باشد. در صورتی که وقتی سینماگرانی که در بدنه سینما هستند معیشت مناسبی نداشته باشند، همین سینما را که هم دیگر نمی‌تواند به‌راش ادامه دهد.

▼ فیلم‌های برنده بدون مجوز و اعضای ایرانی آکادمی اسکار

یا گفت‌وگوی رائد فریدزاده و بهروز افخمی خیلی پیش‌تر از این ضبط شده بود یا در دستور کار صحبت‌هایشان پرداختن به فیلم‌های بدون مجوزی که این روزها در جشنواره‌ها شرکت می‌کنند و جایزه می‌برند، جایی نداشت. فیلمی مانند «تصادف ساده» ساخته جعفر پناهی که توانست نخل طلای جشنواره کن را از آن خود کند یا فیلم «بیداد» ساخته سهیل بیرقی که این روزها برای اکران در جشنواره کارلوویواری جمهوری چک خود را آماده می‌کند و به صورت کاملاً زیرزمینی در ایران ساخته شده، از طرفی موضوع مهمی که در این روزها بحث بیشتر محافل سینمایی است انتخاب چهار سینماگر ایرانی برای عضویت در آکادمی اسکار است که خبرش روز پنج‌شنبه رسانه‌ای شد. در آن خبر آمده پیمان معادی، سعید روستایی، شیرین سوهانی و حسین ملایمی از سوی آکادمی علوم و هنرهای سینمای آمریکا برای عضویت در آکادمی اسکار دعوت به عمل آورده. موضوع مهم و قابل توجه که رئیس سازمان سینمایی کشور در گفت‌وگویش به آن اشاره نکرد و افخمی هم درباره آن سوالی نپرسید.

▼ اکران ضربه دیده

یکی از آسیب‌های جدی‌ای که در دوران حملات اسرائیل به مسائل فرهنگی وارد شد، ترس مردم از حضور در سینماها بود. فیلم‌هایی مانند «پی‌سر» یا «بی‌سر و صدا» که پس از مدت‌ها در محاق توقیف بودند، بالاخره از هفته پایانی خردادماه ۱۴۰۴ مجالی برای اکران پیدا کردند اما شروع جنگ و حملات ارتش اسرائیل شرایط اکران آن‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار داد. فیلم‌هایی اجتماعی که باید آن‌ها را در سینما دید و مناسب تمام اقبال جامعه هم نیست که بتواند مخاطب عام را جلب کند در شرایطی روی پرده سینما رفتند که هنوز تبلیغات‌شان شروع نشده شهرهای ایران زیر حملات رژیم صهیونیستی قرار گرفت. موضوعی مهم و قابل بررسی که باید در اولین گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس سازمان سینمایی به این مسئله و مشکلاتی که برای تهیه‌کننده سینماگران و حتی مخاطبی که مدت‌ها منتظر اکران آثار این چنینی در سینما بوده‌اند پرداخته می‌شد. اما بهروز افخمی ترجیح داد درباره اکران فیلم‌های خارجی در سینماها و تأثیری که بر گیشه خواهد گذاشت از رئیس سازمان سینمایی سوال بپرسد و رائد فریدزاده هم در جوابش درباره اکران نسخه مرمت‌شده فیلم‌های قدیمی حرف بزند. درواقع گفت‌وگوی برنامه «هفت» هیچ حل مسئله‌ای نداشت و جز چند نقل قول درباره اختصاص رایانه برای دهک‌های پایین که حتی زمان تحقق آن مشخص نشد و جمله‌ای شعاری و انگیزشی در جهت اینکه هرکسی که درباره ایران فیلم بسازد، می‌تواند کار تولید را شروع کند این گفت‌وگو آورده‌ای برای شرایط وخیم سینمای ایران از این روزها نداشت.



سوسن سیرجانی

خبرنگار گروه فرهنگ

جمعه‌شب گذشته رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی در گفت‌وگویی ضبط‌شده با بهروز افخمی در قالب برنامه سینمایی «هفت» به بحث نشست. این اولین گفت‌وگوی رسمی و تلویزیونی این مقام سینمایی بعد از پایان جنگ و حملات اسرائیل به ایران بود. این گفت‌وگوی تلویزیونی به دلیل ساختار و صحبت‌های فریدزاده مورد توجه قرار گرفته است. رئیس سازمان سینمایی به نکاتی اشاره کرد و قید اظهار نظر کرد. درباره برخی مسائل مربوط به سینماگران رازد، بر جست‌ترین موضوعی که به آن پرداخته شد سینما و فیلمسازی در جنگ و پس از آن بود اما مسائلی که فریدزاده و افخمی به آن اشاره نکردند و قول‌های تکراری که فریدزاده جلوی دوربین داد، بیشتر از مسائل مطرح‌شده در این برنامه جلب‌نظر می‌کند.

▼ ساختار برنامه و چند ابهام

این واقعیتی غیر قابل انکار است که مدت‌هاست تلویزیون با سینما چندان سر سازگاری ندارد. بسیاری از فیلم‌های روی پرده اکران، در تلویزیون اجازه و فرصتی برای تبلیغ پیدا نمی‌کنند از طرفی بسیاری از سینماگران از رسانه ملی طرد شده‌اند. شب جمعه ششم تیرماه، پس از مدت‌ها یک مقام دولتی سینما یعنی رئیس سازمان سینمایی به برنامه «هفت» با اجرای بهروز افخمی دعوت شده بود اما با شروع پخش این برنامه ساختار آن برای بسیاری با ابهاماتی همراه بود. رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی به استودیو برنامه «هفت» زرفته بود و برنامه در دفتر کار او ضبط شده بود. این بر خلاف قاعده همیشگی برنامه‌های سینمایی تلویزیون است. از طرفی «هفت» یک برنامه گفت‌وگومحور زنده است که همیشه به همین منوال پخش شده اما برنامه جمعه‌شب گذشته، یک گفت‌وگوی ضبط‌شده و گزیده شده بود. این در حالی است که استودیو این برنامه در ساختمان مورد حمله قرار گرفته تلویزیون قرار نداشت اما توضیحی درباره این شکل از پخش آن داده نشد. از ابهامات دیگر درباره این برنامه، موضع بسیار پایین بهروز افخمی در گفت‌وگو بود. او که معمولاً در نقد کردن چندان با طرف مقابل مباحثات نمی‌کند، در مقابل فریدزاده تنها در مقام تأیید صحبت‌های او قرار گرفته بود. افخمی در یک مصاحبه طولانی حتی سوال چالشی هم درباره وضعیت سینماگران از فریدزاده نپرسید و این در حالی است که با وضعیت نابسامانی که سینمای ایران از منظر مالی و محتوایی درگیر آن است، برنامه را به سمت یک رپورتاژ به‌نفع سازمان سینمایی برده بود.

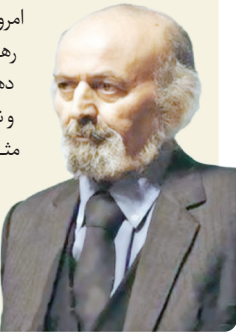
▼ بلیت سینماها و عده‌ای که محقق نمی‌شود

«بلیت سینماها نیم‌بها شد»؛ این جمله خبری است که تا به حال بارها از سوی مقامات سینمایی بیان شده است. در دوران کرونا در مقاطع حساسی که شرایط فروش سینما به وضعیتی غیر قابل کنترل می‌رسد و... همیشه یکی از حربه‌های مدیریتی برای کنترل جریان، نصف کردن قیمت بلیت سینما بوده، کاری که نه تنها تأثیر مثبتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت نداشته بلکه معمولاً به دلیل در نظر گرفتن سهم سینماگران و تهیه‌کنندگان، پس از مدتی این طرح برداشته شده. نکته جالب اما این است که با وجود اینکه پنج روز پیش در بسیاری از رسانه‌های سینمایی اعلام شد که قیمت بلیت سینماها از اول تیرماه برای حمایت از سینماگران و کمک به سبب فرهنگی خانواده‌ها نیم‌بها خواهد شد، اما در زمان تنظیم این گزارش با مراجعه به سامانه‌های فروش بلیت با این واقعیت روبه‌رو شدیم که این دستور متوقف شده و دوباره بلیت پردیس‌ها با قیمت ۱۱۰ هزار تومان و سینماهای معمولی با قیمت ۸۸ هزار تومان عرضه می‌شود. بهروز افخمی به‌عنوان یک گفت‌وگوکننده که در مقابل رائد فریدزاده قرار گرفته بود، درباره این موضوع مهم و محقق نشدن این قول صحبت نکرد. او به‌جای این موضوع سراغ مبحثی ثابت نشده مانند علاقه مردم به سینما رفتن در زمان جنگ

چهره

سالمرگ منتقد شاملو و فروغ

در دهه ۴۰ وقتی «جنگ ادبی اصفهان» در حال تغییرات موثر و بنیادین در ادبیات ایران بود در کنار هوشنگ گلشیری، احمد امیرعلائی و ابوالحسن نجفی، چهره دیگری هم بود که به منتقد شعر نو شهرت داشت؛ محمد حقوقی، شاعر و نویسنده اصفهانی که در رشته‌ای از تقد‌های ادبی به معرفی آثار پیروان نوگرایی نیمایی پرداخت. او پس از تحصیل در دانشگاه تهران نخستین سروده‌هایش در دهه ۳۰ منتشر شد و در همین سال‌ها با نادر نادپور، سیمین بهبهانی و سیلوش کسرایی آشنا می‌شود و مراوده ادبی با آنها شکل می‌دهد که سال‌های سال ادامه می‌یابد. کتاب معروف او به نام «شعر نو از آغاز تا امروز»، یکی از بهترین مجموعه‌ها در معرفی رهروان شعر نو است. محمد حقوقی طی چند دهه فعالیت ادبی، نزدیک ۳۰ جلد کتاب شعر و نقد شعر منتشر کرد. برخی از آثار شعری او مثل «زوایا و مدارات» و «از دل تا دلتا»، مورد توجه شاعران نوگرا و طرفداران این سبک ادبی قرار دارد. محمد حقوقی هشتم تیرماه ۱۳۸۸ در زادگاه خود اصفهان درگذشت.



کتابخانه

آموزش علمی علم اقتصاد

تازه‌ترین کتاب تألیفی اقتصادی نشر نی، به نام «اقتصاد کلان نوین» منتشر شد. این کتاب را محمدحسین رحمتی و کوثر یوسفی نوشته‌اند و رویکردی است به الگوسازی تعادل عمومی بر مبنای اصول اقتصاد خرد. کتاب «اقتصاد کلان نوین» تلاشی است جهت آشنایی مخاطبان با مفاهیم اساسی نظیر بهینه‌سازی، تقاضا، عرضه، تسویه بازارها و قیمت تعادلی آشنا شوند. نویسندگان در این اثر پیچیدگی‌های عملیاتی مفاهیم اقتصادی محدودیت‌های تقدینگی، مالیات، ناهم‌زمانی‌ها، عدم قطعیت و تأثیر آن‌ها بر تعادل اقتصادی را شرح می‌دهند. رویکرد نویسندگان کتاب اقتصاد کلان نوین، آموزش الگوسازی اقتصادی است. آنها کوشیده‌اند در پنج فصل مجزا و به‌دور از هرگونه پیچیدگی‌های زبانی و لحن پرطمطراق، مفاهیم اصلی الگوسازی اقتصادی را با تأکید بر اقتصاد کلان آموزش دهند. به باور نویسندگان برای ترویج علم اقتصاد در کشور باید الگوهای مبتنی بر فلسفه علم اقتصاد با استفاده از داده‌های اقتصادی بومی سازی، سپس به مخاطبان آموزش داده شود. کتاب «اقتصاد کلان نوین» در ۳۳۲ صفحه و با قیمت ۵۶۰ هزار تومان توسط نشر نی، به بازار عرضه آمده است.

نام کتاب: اقتصاد

کلان نوین

نویسندگان:

محمدحسین

رحمتی، کوثر یوسفی

نشر: نی

تاریخ

عرضه اولین آیفون

آیفون یک گوشی تلفن هوشمند همراه است که در روز ۲۹ ژوئن ۲۰۰۷ توسط استیو جابز، مدیرعامل وقت شرکت اپل معرفی شد. آیفون صفحه‌کلید ندارد و تنها از یک کلید home برخوردار است که با فشردن آن، کاربر به صفحه اصلی یا خانه منتقل می‌شود. بعد از معرفی آیفون ۷، این کلید لمسی شد و پس از معرفی آیفون ایکس، به‌کل از آیفون حذف شد. فقط دو گوشی آیفون اس‌ای ۲ و آیفون اس‌ای ۳ بودند که با این که پس از آیفون ایکس معرفی و عرضه شدند، ولی همچنان از کلید home بهره می‌بردند. در سال ۲۰۲۴، اپل با فروش ۲۲۵/۹ میلیون دستگاه آیفون، همچنان به‌عنوان پرفروش‌ترین برند گوشی‌های هوشمند در جهان باقی ماند. این رقم حدود سه میلیون بیشتر از سامسونگ است که ۲۲۲/۹ میلیون گوشی فروخت. در مجموع اپل و سامسونگ ۱۸ درصد از سهم بازار را در

اختیار داشتند. با این حال، در مقایسه با سال ۲۰۲۳، اپل یک درصد کاهش فروش داشته است. مدیرعامل شرکت اپل نیز به‌تازگی اعلام کرد که آیفون از سال ۲۰۰۷ تا هم‌اکنون بیش از ۲/۱ میلیارد فروش داشته است.

